

## ادامه داستان یک بخشنامه و یک اشتباه سیاسی



زهرا طیبی

خبرنگار گروه سیاست

بعد از آنکه معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات در بخشنامه‌ای از فرمانداران، بخشداران و معاونان فرماندار خواسته‌بود که ضمن تداوم پیشبرد امور شهرستان در حوزه‌های مختلف عمرانی، اقتصادی، توسعه‌ای و… در روابط با نمایندگان محترم مجلس، در دوره باقی مانده تا انتخابات، برای پیشگیری از هرگونه سوءبرداشت نسبت به عدم همراهی و معیت نماینده محترم شهرستان در حوزه انتخابیه در موضوعات و جلسات شائبه‌دار حساسیت ودقت لازم‌را داشته باشند، دعوی بزرگی بین نمایندگان مجلس ووزیر کشور بر سر عزل معاون سیاسی آغاز شد. نمایندگان که این بند از بخشنامه را مانع ایفای وظایف نمایندگی توصیف می کردند حد دعو را تا یک‌قدمی استیضاح وزیر بردند اما با گرفتن وعده عزل محمدرضا غلامرضا از وزیر کشور تا حدی از موضع خود عقب‌نشینی کردند. این وعده اما تا روز یکشنبه که حادثهٔ تروریستی در حرم شاهچراغ رخ داد محقق نشده بود که یکباره ساعت ۱۱ شب عزل معاون سیاسی توسط وزارت کشور منتشر شد. انتشار شبانه عزل غلامرضا ابهاماتی درمورد فشارهای سیاسی بیرونی به وجود آورد و روز گذشته معاون سیاسی معزول احمد وحیدی در بیانیه‌ای که در خبرگزاری منتشر شد اعمال این فشارها از جانب مجلس را تایید کرد و مدعی شد: «پس از بروز حادثه تلخ و شوم تروریستی در شیراز، پیغام رسید که استیضاح وزیر کشور به‌دلیل فشارهای برخی نمایندگان، توسط شخص آقای قالیباف در روز دوشنبه مورخ ۲۳ مرداد اعلام وصول خواهد شد و تنها راه عدم اعلام وصول، برکناری معاون سیاسی است و حتی استمهال ۴۸ ساعته برای اتمام ثبت‌نام‌ها و برگزاری همایش سراسری معاونان سیاسی سراسر کشور هم مورد موافقت قرار نگرفت.، غلامرضا اظهاراتش درمورد عقب‌نشینی دولت را این گونه تکمیل کرد و گفت: «تا یک روز قبل از این تصمیم، اراده دولت بر این بود که از حق مردم صیانت کند و اجازه چنین مداخله‌ای را ندهد اما با مشاهده اصرار بعضی نمایندگان مجلس به استیضاح وزیر و عدم رعایت مصالح قطعی کشور که تبعات آن آسیب جدی برای نظم و امنیت کشور به‌دنبال داشت، اینجانب ادامه کار را به‌مصلحت ندانستم و تصمیم به کناره‌گیری گرفتم.» انتشار این بیانیه و محتوای آن نشان می‌دهد برخلاف ادعای احسان صالحی، دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت که تغییر معاون سیاسی را فداکاری و ازخودگذشتگی خوانده بود، این خطر استیضاح وزیر کشور بوده که خداحافظی رئیس ستاد انتخابات را با ساختمان وزارت کشور درپی داشته‌است. بیانیه‌وزیر کشور باعث شد تا بار دیگر بخشنامه جنجالی و حواشی پس از آن در فضای افکار عمومی ابهاماتی را به‌وجود بیاورد که در ادامه مروری بر این ابهامات خواهیم داشت.

### کشاکش بی‌فایده ۲ قوه برای یک بخشنامه

دعوی ادامه‌دار دولت و مجلس بعد از انتشار بخشنامه‌وو اکثش های شدید نمایندگان مجلس و جدیت قابل توجه برای استیضاح وزیر کشور نشان از این داشت که سطح اهمیت ماجرا برای مجلسی‌ها بسیار بالا بود اما سوال این بود که آیا حساسیت این بخشنامه آنقدر زیاد بود که نزدیک به دو ماه تمرکز نمایندگان مجلس بر آن گذاشته و عمده اخباری که از مجلس منتشر می‌شد متمرکز بر پیگیری آن باشد؟ ادامه این کشاکش آن هم بعد از لغوبندی‌های مبهم موجود در بخشنامه این گزاره را اثبات می‌کرد که ادامه این دعوا جز نمایاندن اختلافات بیشتر میان دوقوه اساسا نتیجه‌دیگری به‌همراه نداشته و در مواردی اثر منفی نیز داشته‌است. از طرفی مجلس دولت باید این اختلاف به‌وجود آمده را با برگزاری جلسات و حل‌وفصل

## گزارش

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div>در ماه‌های گذشته همزمان با افزایش فشارهای دولت آلبانی بر گروهک تروریستی منافقین، مکرراً خبر مرگ‌های مشکوک و خودکشی‌های سریالی اعضای ارشد این گروهک به گوش‌مان می‌رسد.</div>
<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div>دیروز هم خبر رسید که «منیر تزه» از اعضای شورای مرکزی منافقین خودکشی کرده</div>

است. او از اعضای دیرین این سازمان بود. تزه در عملیاتی که منافقین فروغ جاویدان می‌خواندند هم حضور داشته و از نزدیک شاهد شکست این گروهک در این عملیات بوده است. گفته شده که او خودکشی کرده است اما تعداد بالایی خبرهای مشابهی که در ماه‌های گذشته از کمپ تیرانا رسیده و همچنین وجود شایعاتی مبنی بر بالا رفتن اختلافات تزا سازمان، باعث می‌شود تا سناریویی که به‌نظر ساختگی می‌رسد به‌سادگی قابل باور نباشد. برخی بر این باورند که این عضو سازمان منافقین به علت مساله‌دار شدنش توسط مقامات ارشد سازمان به قتل رسیده یا مجبور به خودکشی شده است. نظریه‌ای که درباره سایر مرگ‌های مشکوک اعضای ارشد این سازمان هم در ماه‌های اخیر وجود دارد. پیش از این اعضای رده‌بالای سازمان از جمله افرادی مانند عدرا طالقانی، اسماعیل علیپور، عبدالوهاب فرجی و برخی دیگر از اعضای این سازمان به طرز مشکوکی کشته شده بودند. این افراد براساس اطلاعاتی که خود منافقین منتشر کرده، همگی از قدیمی‌ترین اعضای سازمان بوده‌اند و در طول چندین دهه فعالیت‌شان در سازمان نقش‌های مهمی داشته‌اند و از افراد رده‌بالای فرقه رجوی به‌شمار می‌رفتند. به‌طور مثال طالقانی از همان سال‌های اول تشکیل آنچه که منافقین ارتش آزادی‌بخش ملی می‌خوانند در میان نیروهای مسلح سازمان حضور داشته و برای مدتی سمت جانشینی فرمانده کل این ارتش را عهده‌دار بوده است. طالقانی همچنین از سال ۷۲ عضو شورای مرکزی سازمان بود. علاوه‌بر این او در سه عملیات نظامی اصلی منافقین در سال‌های پایانی جنگ یعنی آفتاب، چلچراغ و فروغ جاویدان فرماندهی تیپ‌زنان ارتش منافقین را برعهده‌داشت‌است. عبدالوهاب فرجی نیز که به قصاب رجوی معروف بوده و از موثرترین افراد در جریان فرآیندهای همکاری منافقین با صدام بوده است، بنا بر ادعای سازمان در جریان حمله پلیس

## سیاست

اگر روایت غلامرضا، معاون سیاسی معزول وزیر کشور درست باشد بهارستان باید شفاف‌سازی کند

# ادامه داستان یک بخشنامه و یک اشتباه سیاسی



شائبه‌ها رفع می‌کردند و دعو او اختلاف میان دو قوه را آنقدر کش نمی‌دادند که تا استیضاح وحیدی وزیر کشور نیز پیش برود. نکته مغفول دیگر در میان اختلافات مجلس و دولت، افکارعمومی جامعه است. مجلس در این مدت بر چیزی تمرکز داشت که اهمیت آن برای افکارعمومی چندان قابل توجه‌نیود. درشرایطی که چندماه‌ی به پایان عمر مجلس یازدهم باقی مانده این توقع از مجلس وجود دارد که تحقق وعده‌های اصلی خود ازجمله شفافیت را در دستور کار قرار دهد و همچنین در راستای رفع مشکلات معیشتی اقدامات دولت در حوزه مسائلم اقتصادی را اززیایی کند و با گوشزد کردن ناکارآمدی‌ها در بهبود معیشت مردم موثر عمل کند، نه اینکه درگیر دعوهای سیاسی و انتخاباتی بی‌اهمیت شود.

### استیضاح به‌خاطر چندخط؟

استیضاح وزیر کشور درصورت عدم عزل معاون سیاسی تهدیدی بوده است که نمایندگان مختلف ازجمله محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس آن را چندین بار علنا مطرح کرده‌اند، اما این ماجرا مدتی مسکوت مانده بود تا اینکه پس از حادثه تروریستی شیراز استعفا ی شبانه غلامرضا رسانه‌ای شد. حال معاون کنارتخته مدعی است که بخشنامه ابلاغی عامل عزل بوده و نمایندگان مجلس را متهم کرده که برای استیضاح وزیر کشور درخواست مهلت ۴۸ ساعته را نیز پذیرفته‌اند. اکنون توپ در زمین بهارستان است و نمایندگان مجلس باید در جایگاه دفاع از خود قرار بگیرند و پاسخ دهند که آیا همان‌طور که از اظهارات پیشین‌شان برمی‌آید استعفا ی معاون وزیر کشور متاثر از فشار آنها برای استیضاح در واکنش به بند ۴ بخشنامه معاونت سیاسی بوده یا دلایل دیگری ازجمله جنایت تروریستی چند ساعت قبل از استعفا و ضعف‌های امنیتی حرم شاهچراغ نیز می‌تواند در این ماجرا موثر بوده باشد.

### محدودیت‌های وزارت کشور باید متوجه همه داوطلبان

**می‌بود نه صرفا نمایندگان فعلی مجلس**

معاون سیاسی سابق وزیر کشور در بیانیه‌ای که خبرگزاری دولت آن را منتشر کرده، اشاره کرده که بندهای موجود در بخشنامه در راستای دنبال کردن اصل بی‌طرفی در انتخابات توسط وزارت کشور منتشر شده است. در بخشی از بند ۲ این بخشنامه آمده: «با توجه

به‌انجام برخی سفرهای هماهنگ‌نشده که عمدتاً توسط نمایندگان محترم مجلس تنظیم شده و آثار نامطلوب آن در فضای عمومی و چندگانگی مدیریتی، فرمانداران از حضور و همراهی در برنامه‌هایی با اهداف خاص یا هماهنگ نشده با استانداری خودداری کنند.» بند ۴ این بخشنامه نیز تصریح کرده: «فرمانداران، بخشداران و معاونین فرماندار و… در روابط با نمایندگان محترم مجلس، در دوره باقی مانده تا انتخابات، برای پیشگیری از هرگونه سوءبرداشت نسبت به عدم همراهی و معیت نماینده محترم شهرستان در حوزه انتخابیه در موضوعات و جلسات شائبه‌دار، حساسیت ودقت لازم را نداشته باشند، مدیریت این موضوع برعهده معاونین محترم سیاسی می‌باشد.» در نظر گرفتن این موضوع که رعایت اصل بی‌طرفی توسط وزارت کشور یک اصل مهم و غیرقابل انکار است اما یکی از شبهاتی که درپی انتشار این بیانیه ایجاد شد، تاکید بر عدم همکاری وزارت کشور، فرمانداران و استانداران با نمایندگان فعلی مجلس و نه نامزدهای انتخابات بوده و این امر منجر به ایجاد حساسیت شده و این گمان را ایجاد کرده است که وزارت کشور به‌دنبال محدود کردن اختیارات نمایندگان است. سوالی که در این میان مطرح می‌شود و لازم است معاون سیاسی سابق وزارت کشور نسبت به آن پاسخ دقیقی بدهد، این است که بهتر نبود این وزارتخانه ضمن تاکید درست بر رعایت اصل بی‌طرفی در آستانه انتخابات به جای تعیین شروطی برای مواجعه زیرمجموعه خود با نمایندگان فعلی مجلس یازدهم دقت نظر در مواجعه با همه داوطلبان و نامزدهای انتخابات اعم از نمایندگان پیشین و مسئولان فعلی را مورد تاکید قرار می‌داد؟ کماینکه این امکان نیز وجود دارد که همه نمایندگان فعلی مجلس خواهان شرکت در انتخابات مجلس دوازدهم نباشند از طرفی موارد مورد اشاره یعنی جلسات و دیدارهای شائبه‌برانگیز ممکن است متوجه برخی از افرادی باشد که تمایل به شرکت در انتخابات مجلس دارند و جزء کارمندان استانداری‌ها و شهرداری‌ها محسوب شوند.

### از تصمیم دولت دفاع می‌کردید

انتشار بخشنامه جنجال‌برانگیز وزارت کشور مهم‌ترین دلیل درخواست برکناری معاون سیاسی این وزارتخانه از جانب نمایندگان بود و آنها به همین بهانه استیضاح وحیدی را کلید

## ۲

اطلاع‌رسانی دولت در توییتهی نوشت: «تغییر معاون سیاسی وزارت کشور، فداکاری و ازخودگذشتگی دولت برای تقویت راهبردمورد تاکید در نماز عید فطر یعنی همکاری قواست. دشمنان ایران بیش از هر چیز به اختلاف‌های زیر خیمه انقلاب دل بسته‌اند و دولت ولو به قیمت کوتاه آمدن از حق خود، مصلحت‌بزرگ‌تر را کور کردن چشم این فتنه می‌داند.» صالحی البته درحالی تغییر معاونت سیاسی وزارت کشور را «فداکاری بی‌بانه‌ای که روز گذشته توسط خبرگزاری دولت منتشر شده بود، در شرح چگونگی این برکناری نوشته: «پیغام رسید که استیضاح وزیر کشور به دلیل فشارهای برخی نمایندگان، توسط شخص آقای قالیباف در روز دوشنبه مورخ ۲۳ مرداد اعلام وصول خواهد شد و تنها راه عدم اعلام وصول، برکناری معاون سیاسی است و حتی استمهال ۴۸ ساعته برای اتمام ثبت‌نام‌ها و برگزاری همایش سراسری معاونین سیاسی سراسر کشور هم مورد موافقت قرار نگرفت… با مشاهده اصرار بعضی نمایندگان مجلس به استیضاح وزیر و عدم رعایت مصالح قطعی کشور که تبعات آن آسیب جدی برای نظم و امنیت کشور به‌دنبال داشت، اینجانب ادامه کار را به‌مصلحت ندانستم و تصمیم به کناره‌گیری گرفتم.» از اظهارات معاون سیاسی سابق وزارت کشور می‌توان این گزاره را برداشت کرد که برکناری وی به‌صورت شبانه و به جهت به نتیجه نرسیدن صحبت‌ها پیرامون عدم استیضاح وزیر بوده و استعفا یا برکناری وی برای جلوگیری از استیضاح وزیر کشور صورت گرفته است. براین اساس برکناری غلامرضا نه به جهت فداکاری دولت برای ایجاد همکاری بلکه برای جلوگیری از استیضاح وزیر بوده است. از طرفی نیز دبیر شورای اطلاع‌رسانی دولت درحالی در راستای تصمیم را در راستای ایجاد همدلی میان قوا دانسته که انتشار بیانیه با لحن تهاجمی به مجلس صرفا به اختلافات موجود میان دو قوه دامن می‌زند و با در صدر اخبار قرار دادن این موضوع صرفا آتش اختلافات را روشن نگه می‌دارد؛ امری که مشخصا تصویر خوبی از روابط میان دوقوه به افکار عمومی مخابره نمی‌کند. توقع می‌رفت اعضای دولت اگه واقعا به گزاره‌ای تحت عنوان همدلی پایبند بودند در بعد رسانه‌ای نیز دلسوزانه عمل کنند نه اینکه واکنشی متناقض یا ادعای خود نشان داده و تلقی سیاسی بودن فعالیت رسانه‌ای ضدمجلس را در اذهان عمومی تقویت کنند.

### مطالبه بق دانشجویان برای اهداف سیاسی مصادره نشود

در طی چند وقت اخیر علاوه بر بخشنامه جنجالی وزارت کشور برخی چهره‌های منتسب به دولت و مجلس وارد درگیری‌های سیاسی و انتخاباتی با یکدیگر شده‌اند. این امر باعث شده فرامتن هرگونه کنش رسانه‌ای از جانب دو قوه علیه یکدیگر با عینک سیاسی و جناحی ارزیابی شود. لذا اگر اعضای دولت و مجلس مدعی همدلی هستند نباید به‌نحو متناقض عمل کرده و باعث شوند دعوی‌های سیاسی و انتخاباتی بر مسائل اصلی کشور ارجحیت یابد. بعد از آنکه استعفا ی معاون سیاسی وزارت کشور این تلقی را به‌وجود آورد که دولت در برابر فشارهای سیاسی عقب‌نشینی کرده بخشی از افکار عمومی از جمله دانشجویان نسبت به این مساله معترض شده و با حضور در ساختمان وزارت کشور اعتراض خود را نشان دادند. پس از این اعتراضات معاون وزیر کشور برای پاسخ به مطالبه دانشجویان و دلجویی از آنها جلسه‌ای تشکیل داد که باالذات اقدام بدی نیست اما زمانی که پس از این جلسه بیانیه‌ای تهاجمی علیه مجلس منتشر می‌شود دیگر به‌سختی می‌شود افکار عمومی را قانع کرد که جلسه شب گذشته با دانشجویان نیز کارکردش صرفا دلجویی بوده و بوی سیاسی کاری از آن استشمام نمی‌شود.

## کتاب‌های پیشنهادی

**مرگ یک عضو منافقین خبرساز شد**

# کابوس مرگ در لانه تروریست‌ها

دولت آلبانی چقدر جدی است اما انتشار اخباری مبنی بر تکاپوی سازمان برای پیدا کردن مقر جدید خود نشان می‌دهد که فرقه رجوی که بعد از فرار از ایران بارها درد بی‌خانمانی را چشیده‌اند، خطر تکرار این فاجعه را به‌خوبی حس می‌کنند. مریم رجوی هم که برای شرکت در نشست پاریس مجبور شده بود مخفیانه از آلبانی خارج شود دیگر اجازه بازگشت به این کشور را ندارد. با این شرایط عملا دیگر آلبانی نمی‌تواند مقر مرکزی مناسبی برای منافقین باشد و از طرف دیگر تا به امروز هیچ کشوری حاضر نشده میزبانی این گروهک تروریستی که در کارنامه خود سابقه جنایت‌های بی‌شماری علیه ملت ایران و حتی عراق را دارد بپذیرد.

از طرف دیگر منافقین که همیشه با تکیه به توان مالی خود به جذب حمایت سیاستمداران غربی می‌پرداختند امروز علاوه بر مشکلات امنیتی و تشکیلاتی با مشکلات مالی جدی‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کنند. براساس برخی از گزارش‌ها وخامت اوضاع مالی سازمان به حدی است که حتی بعضی از اعضای سازمان در اروپا برای تأمین منابع سازمان نقش تکدی‌گری را به عهده گرفته‌اند. برخی نیز که معتقدند حامد اسماعیلپوین ارتباط نزدیکی با منافقین دارد پروژه‌های درآمدزایی او را که صدای اپوزیسیون را هم درآورده است بی‌ارتباط با شرایط اسفبار مالی سازمان نمی‌دانند. در این شرایط اعضای سازمان با بن بستنی همه‌جانبه و مساله اخراج از آلبانی روبه‌رو هستند و این بدون آنکه میزبان بعدی آنها مشخص شده باشد مهم‌ترین چالش پیش‌روی‌شان محسوب می‌شود. از طرف دیگر شرایط مالی ضعیف سازمان آنها را نسبت به تأمین حداقلی آینده خود مردد کرده و درنهایت پس از شکست پروژه آشوب‌های ۱۴۰۱ در ایران اعضای سازمان بیش از همیشه توخالی بودن وعده‌های فرماندهان خود مبنی بر نزدیک بودن سقوط جمهوری

اسلامی را درک می‌کنند. طبیعی است در چنین شرایطی تلاش برای خروج یا به تعبیر بهتر فرار از سازمان افزایش یابد. البته با توجه به حساسیت بسیار بالای اعضای ارشد به از دست دادن همین نیروی انسانی محدود باقی مانده، فرار از سازمان اصلا کار ساده‌ای نیست و عواقب جدی‌ای برای اعضا در پی خواهد داشت. دور از انتظار نیست که حتی اگر خبری از اختلافات درون سازمانی نباشد، اعضای سازمان که سال‌ها با سایانور مانوس بوده‌اند در اثر بحران‌های به‌وجود آمده دچار پوچی شده و دست به خودکشی‌های سریالی بزنند.

### پایان رجویون

به‌نظر می‌رسد شرایط نامطلوب سازمان باعث ایجاد اختلافات بین سران سازمان شده و مریم رجوی نیز برای حفظ تسلط خود بر سازمان مجبور شده است از گزینه حذف فیزیکی برخی مخالفان و منتقدان رده‌بالای خود استفاده کند. منافقین به‌خوبی می‌دانند که سازمان یا فتگی فعلی آنها نیز مرهون تشکیلات سازی سال‌های اول انقلاب است و با پایان یافتن دوره فعالیت اعضای نسل اول سازمان اگر دچار بحران سازمانی شوند دیگر به‌هیچ‌وجه فرصت احیای تشکیلات خود را نخواهند داشت و حتی کالبد کم‌جان این گروهک تروریستی نیز از بین خواهد رفت. پس طبیعی است که برای جلوگیری از چنین فاجعه‌ای، رجوی ابایی از قربانی کردن دوستان سابق خود نیز نداشته باشد. روندی که با توجه به جایگاه متزلزل خود مریم رجوی بعید نیست که در آینده نه‌چندان دور دامن خود او را نیز بگیرد. زیرا چهره بسیار منفور رجوی‌ها در ذهن ایرانیان یک امتیاز منفی در میان سیاستمداران غربی محسوب شده و حتی بعید نیست که غریبه‌ها نیز از کنار رفتن رجوی حمایت کنند. تقریبا شبیه به اتفاقی که برای عضو رجوی افتاد و از ریاست سازمان کنار زده شد. گرچه اخبار ضدونقیضی از زنده بودن یا نبودن مسعود رجوی منتشر شده، اما هرچه باشد عمر سیاسی او مدت‌هاست به پایان رسیده است. اتفاقی که با توجه به شرایط اسفبار سازمان هر آن ممکن است برای مریم رجوی نیز تکرار شود.